

انا لله و انا اليه راجعون



استاد دکتر سید بهروز موسوی در سال ۱۳۲۹ در شهر بیرجند از توابع استان خراسان جنوبی به دنیا آمد. ایشان پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در بیرجند، تحصیلات دانشگاهی را در رشته دندان پزشکی در سال ۱۳۴۸ در دانشگاه فردوسی مشهد آغاز کرد و در سال ۱۳۵۵ فارغ التحصیل شد. در سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ دوره تخصصی اندودنتیکس را در دانشگاه تهران گذراند. ایشان در طی دوران خدمت بی‌ریا و دلسوزانه، علاوه بر فعالیت به عنوان عضو هیأت علمی، سرپرستی و ریاست بخش‌های مختلف و متعددی را در دانشکده دندان پزشکی اصفهان بر عهده داشتند که از جمله آن‌ها می‌توان به سرپرستی امور دانشجویی دانشکده دندان پزشکی اصفهان، معاونت امور مالی-اداری و آموزش دانشکده دندان پزشکی اصفهان، دو دوره ریاست دانشکده دندان پزشکی اصفهان، مدیریت گروه اندودنتیکس، سرپرستی تخصصی گروه اندودنتیکس، ریاست مرکز تحقیقات علوم دندان پزشکی اصفهان، عضویت در فرهنگستان علوم دندان پزشکی ایران، سرپرستی کمیته سلول‌های بنیادی و استخراج سلول‌های بنیادی از پالپ دندان‌های شیری برای دومین بار در دنیا و عضویت در هیأت ممیزه تخصصی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان را نام برد. استاد تا لحظه عروج، یکی از فعال‌ترین اعضای هیأت علمی دانشکده دندان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بود. تأسیس مرکز تحقیقات علوم دندان پزشکی پروفیسور ترابی‌نژاد در اصفهان و راه‌اندازی اولین کلینیک تحقیقاتی دندان پزشکی در خاورمیانه در ایران، انتشار اولین مجله دندان پزشکی به زبان انگلیسی در ایران از جمله فعالیت‌های شاخص آن استاد فقید به شمار می‌رود. ایشان نویسنده ده‌ها مقاله داخلی و بین‌المللی و نیز دارای کتاب در رشته اندودنتیکس، همچنین برنده جایزه اولین مقاله برتر نهمین کنگره بین‌المللی اندودنتیست‌های ایران در سال ۱۳۸۶، استاد نمونه در سال تحصیلی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ در اصفهان و دندان‌پزشک نمونه کشور در سال ۱۳۷۵ بودند. مجله دانشکده دندان پزشکی اصفهان بر خود لازم می‌داند فقدان آن استاد بزرگ را به جامعه دندان پزشکی کشور و به بازماندگان ایشان تسلیت عرض نماید. عبارات زیر دست‌نوشته‌ای از سوی یکی از دستیاران گروه اندودنتیکس است که در فراق استاد و یاد عزیزش نگاشته شده و به دفتر مجله رسیده است.

یاد استاد

اصفهان، دانشکده دندان پزشکی، دوم تیرماه ۱۳۹۰، چشمان اشک بار بزرگ و کوچک، و... ناباوری سکوت. هرگز در باورها نمی‌گنجد که در فضای دانشکده دیگر طنینی از قدم‌های او نیست. به دست نوشته‌هایش خیره می‌شویم و امروز همه جا نبودن او، هجوم بغض و فریاد بی‌صداست، وقتی جای خالی‌اش حتی در آسمان نقش می‌بندد. این جا در دانشکده دندان پزشکی هر روز خورشید با طلوع چشمان استاد آغاز می‌شد و حالا چه تلخ است که رد نگاهش را گم کرده‌ایم در گرداب تلخ‌ترین رسم زمانه. استاد عزیز، چه بی‌ریا تاییدی از ماه نگاهت بر خاک رفاقت، و چقدر ستاره آویختی به مخمل شب‌های آموختن که هر کس را قطره‌ای آموخته باشی. رود کوچکی خواهد شد روانه به دریای دانایی ... و تویی که می‌مانی روی سطر سطر جاودانگی و می‌تابی روی لحظه لحظه بی‌کرانگی، که رسم آینه‌وار تو، و چون تو همین تابش مکرر است. بی‌تردید تو هستی و هر آن که چون تو غرق در عشق به اندیشیدن است، هنوز بی‌وقفه تو را روی حریر ورق‌های اندیشه‌اش می‌نویسد و تو را در هزاران پیچ دالان‌های خاطره صدا می‌زند تا از انعکاس تو مردانگی بییچد در رگ و جان این شهر ... بر غم نبودن قلم سیاهه می‌کشیم و همراه با بازماندگان عزیزت، و هر آن دوست که با آموختن، و با علم و هنر دندان پزشکی آشناست، یاد عزیزت را گرمی می‌داریم. روح بلندت ستاره باران.